



تابستان است سفر کنیم! گردشگری در نگاه قرآن و روایات

اعظم دانش اعتمادی
دبیر دینی و قرآن شهرستان لارستان

یا ایها الذین امنوا ان ارضی واسعة فایای فاعبدون

مقدمه

گردشگری از مقولاتی است که همواره بشر به آن پرداخته و نقش مهمی در توسعه جوامع انسانی در عرصه تمدنی و فرهنگی داشته است. دین مبین اسلام با نگاه متفاوت و با فلسفه‌ای مشخص، گردشگری و جهانگردی را مورد توجه قرار می‌دهد. قرآن با اهداف متعالی، انسان را به گردش روی زمین تشویق می‌کند. خداوند سبحان، پنج مرتبه با فرمان «سیروا فی الارض»، به سیر در زمین دعوت می‌کند و شش مرتبه با جمله «اولم یسیروا»، کسانی را که در زمین سیر نمی‌کنند و نسبت به سرانجام گذشتگان بی‌اعتنا هستند، توبیخ می‌کند. این همه تأکید بر گردشگری در قرآن و روایات بیانگر دستاوردهای سازنده و تربیتی سفر و تأثیر آن در سالم‌سازی زندگی فردی و اجتماعی در همه نسل‌ها و زمان‌هاست. هدف مهم در آیات قرآن و روایات از سیر و سیاحت، «عبرت‌آموزی» است و همچنین، آگاهی از چگونگی آفرینش، اندیشه در نشانه‌های قدرت خدا، بندگی پروردگار، دوری از طاغوت، پی بردن به وجود سنت‌های الهی و کشف قوانین حاکم بر جامعه و تاریخ، بالا رفتن سطح آگاهی انسان، روشن بین و دانا شدن انسان و جامعه. در برخی از آیات آگاهی یافتن از سرنوشت حق‌ستیزان، تکذیب‌کنندگان، بیدادگران و مفسدان مورد نظر است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری دینی، سنت الهی، عبرت‌آموزی، بهسازی زندگی مادی و معنوی

جایگاه جهانگردی و گردشگری در دین مبین اسلام

با نگاه به قرآن و روایات می‌توان دریافت که دین مبین اسلام به موضوع گردشگری بسیار بها می‌دهد. قرآن، کتاب تربیت و سازندگی، از راه‌های گوناگون به تربیت، پرورش و احیای فطرت خداجویانه انسان می‌پردازد که از جمله آن راه‌های مؤثر، گردش در زمین یا جهانگردی هدفدار با نگرش متفکرانه در زمین و زمان است. قرآن از این مهم، با «سیروا فی الارض» یاد می‌کند و بسیار سفارش دارد که انسان‌های هدفمند، در آثار گذشتگان و امت‌های قبل، نیک بیندیشند تا از سویی درس عبرت گیرند و از سوی دیگر به راز صعودها و سقوطها و فرازها و فرودها پی ببرند. جهانگردی معنوی و سیر در زمین به تعبیر قرآن، قلب انسان را دانا، چشم را بینا و گوش را شنوا می‌کند (حج/۴۶).

قرآن دوران گذشته را با زمان حاضر و عصر کنونی را با

تاریخ گذشته پیوند می دهد. پیوند فکری و فرهنگی نسل حاضر با گذشته را برای درک حقایق، لازم و ضروری می داند. با این ارتباط، وظیفه و مسئولیت آیندگان نیز روشن می شود. به ویژه که خداوند سنت هایی در اقوام گذشته قرار داده است که جنبه اختصاصی ندارند و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی برای همگان، قابل اجرا هستند. در این سنن پیشرفت و تعالی افراد با ایمان، متحد، مجاهد و بیدار، و شکست و نابودی ملت های پراکنده، بی ایمان و آلوده به گناه پیش بینی شده است. بر همین اساس، قرآن به مسلمانان امر می کند، روی زمین بگردید، در آثار پیشینیان دقت کنید و بنگرید پایان کار آن ها که کافر شدند، کسانی که پیامبران خدا را تکذیب کردند، آیات الهی را به سخره گرفتند، و بنیان ظلم، فساد و گناه را در زمین نهادند، چگونه شد.

حضرت علی (ع) در نامه ای به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: «گرچه من در تمام طول تاریخ همراه پیشینیان زندگی نکرده و به اندازه همه آنان نزیسته ام، اما در کارهای آنان ژرف نگریسته و در سرگذشت آنان نیک اندیشیده ام و آثاری که از آنان به یادگار مانده است، همه را بررسی کرده ام؛ به گونه ای که بدان یکی از آنان شده ام.»

در ادامه به گرمی فرزند خود توصیه می کند: «خبرهای پیشینیان را در نظر بگیر، آنچه را بر گذشتگان رسیده به یاد آور و در خانه ها و شهر و دیار و آثار ویران شده و بر جای مانده آنان گردش نما و نیک بنگر که چه کردند! آنان را خواهی دید که از کنار دوستان رخت بر بستند و در خانه های غربت نشستند و چندان دور نخواهد بود که تو نیز یکی از آنان گردی. بنابراین در آبادسازی و آراستگی اقامتگاه خویش بکوش و آن جهانت را به این جهان مفروش.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

با توجه به مجموعه آموزه های قرآن و روایات می توان بیان داشت که جهانگردی و گردشگری یک دستور زنده اسلامی است که بیش از این نباید مورد غفلت مسلمانان و حکومت های اسلامی قرار گیرد و از فواید ارزنده مادی و معنوی آن بی بهره یا کم نصیب ماند.

گردشگری، آگاه شدن از چگونگی آفرینش و سرسپردن به بندگی خدا

توجه به طبیعت در قرآن جایگاه برجسته ای دارد، به طوری که بیش از ۷۵۰ آیه به پدیده های طبیعی اشاره کرده اند و بیش از ۱۰ درصد آیات به موضوع طبیعت اختصاص دارند (رستمی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). در این آیات، خداوند انسان را به دقت در طبیعت و اندیشیدن در آفرینش فرامی خواند. آیات الهی حقایق کلی و اساسی مربوط به جهان و انسان را که در راه تعالی، رشد و شکوفایی انسان و جامعه به آن ها نیاز است، ارائه می دهند.

این آیات انسان را ترغیب می کنند، برای شناخت کتاب آفرینش و قوانین خلقت، دیدن شگفتی های آن و پی بردن به قدرت پروردگار، به سیر و سفر در زمین بپردازد. «سننیهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» (فصلت/ ۵۳). در این آیه سخن از آیات آفاقی، یعنی آفرینش پدیده های طبیعی و آیات انفسی و آفرینش انسان و مشاهده عینی پدیده های طبیعی مانند ماه و خورشید، زمین و آسمان، دریا و خشکی، گیاهان و حیوانات، و... و تأمل در آفرینش انسان است.

همچنین، در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره عنکبوت، غفلت بشر از خلقت این گونه مورد سؤال قرار می گیرد: «اولم یروا کیف بیدی الله الخلق ثم یعیده ان ذلک علی الله یسیر. قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدالخلق ثم الله ینشی النشاه الاخره ان الله علی کل شی قدیر»: آیا در نشانه های قدرت خدا نیندیشیده اند؟ آیا ندیده اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند و سپس آن را باز می گرداند؟ بی گمان این کار برای خدا آسان است. (ای پیامبر) بگو در زمین بگردید و بنگرید که خدا چگونه آفرینش را آغاز کرد. سپس خدا این گونه پدیده آخرت را پدید خواهد آورد، چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.

در آیه ۸ «سوره روم» نیز سخن از آفرینش آسمان ها و زمین و هدف از خلقت آن هاست:

«اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و ان کثیرا من الناس بلقای ربهم لکافرون»: آیا آن ها با خود نیندیشیدند که خداوند آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق و برای زمان معینی نیافریده است، ولی بسیاری از مردم (رستاخیز) و لقای پروردگارش را منکرند.

در آیه ۹ سوره روم نیز می خوانیم: «ولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم کانوا اشد منه قوه و اتاروا... ولکن کانوا انفسهم یظلمون». آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن ها بودند، چگونه شد؟ آن ها نیرویی بیش از اینان داشتند و زمین را (برای زراعت) دگرگون ساختند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، عمران نمودند و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آن ها انکار کردند و کیفر خود را دیدند). خداوند هرگز به آن ها ستم نکرد، آن ها به خودشان ستم کردند.

در این آیات به روشنی بخشی از فلسفه زیبای قرآن در مورد گردشگری بیان می شود. خداوند با فرمان به سیر و سیاحت در زمین می خواهد انسان با مشاهده طبیعت و نشانه های قدرت خدا و تفکر در آن ها، به هدفمند بودن خلقت و واقعیت رستاخیز پی ببرد و ببیند، کسانی که خداوند و پیامبران او را انکار کردند و اعتقادی به آخرت و دیدار پروردگار نداشتند، در عین توانمند بودن، نابود شدند. لذا سر تسلیم در برابر خدا، فرود آورد و به عبادت و

با توجه به
مجموعه
آموزه های قرآن
و روایات می توان
بیان داشت که
جهانگردی و
گردشگری یک
دستور زنده
اسلامی است
که بیش از
این نباید مورد
غفلت مسلمانان
و حکومت های
اسلامی قرار
گیرد و از فواید
ارزنده مادی
و معنوی آن
بی بهره یا کم
نصیب ماند



دسته‌ای از آیاتی که قوانین و سنن حاکم بر جامعه و تاریخ را بیان می‌کنند، همه مردم نواندیش و کمال‌جو را به جهانگردی و سیاحت هدف‌دار و مطالعه تاریخ اقوام گذشته و تحقیق در سرنوشت آنان تشویق می‌کنند

اطاعت او بپردازد: «یا عبادی الذین آمنوا ان ارضی واسعہ فایای فاعبدون» (عنکبوت/۵۶): چرا که بندگی خدا، راز آفرینش هستی و خلقت انس و جن است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶).

گردشگری و کشف سنن الهی حاکم بر جامعه و تاریخ و عبرت آموزی

این حقیقت که انسان به سوی هدفی معین و مشخص گام برمی‌دارد و صحنه تاریخ به وسیله قوانین و سنن مربوط به خود آباد و سرسبز می‌شود، به گونه‌ای روشن و کاملاً واضح در قرآن قابل مشاهده است. اینکه امت‌ها و جامعه‌ها، اعتلاها و انحطاط‌ها، فرازا و فرودها، و مسئولیت عمومی دارند، به معنای قانونمندی حرکت تاریخ و جامعه است. این حقیقت به سبک‌ها و صورت‌های متفاوت در بسیاری از آیات بیان شده است. در آیاتی به‌طور کلی و در برخی آیات با ارائه مصادیق و نمونه‌هایی بدان پرداخته شده است.

آیه ۱۳۷ و ۱۳۸ سوره «آل عمران» با استفاده از واژه سنن این قانونمندی را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین. هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین». بی تردید پیش از شما، سنت‌هایی بر جامعه‌های انسانی حاکم بوده است، پس برای دریافت آن سنن و آگاهی از حقیقت آن‌ها، به گردش پژوهشی و سیر و سیاحت جست‌وجوگرانه، در زمین دست بزنید و بنگرید که فرجام کار حق‌ستیزان و انکارکنندگان وحی چگونه بوده است. این بیان برای عموم مردم است و هدایت و اندرزی برای همه پرهیزگاران می‌باشد.

در آیه ۲۳ «سوره فتح» هم آمده است: «سنه الله التي قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً». این سنت و روش همواره خداست که در گذشته نیز چنین بوده است و هرگز برای سنت و روش خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

دسته‌ای از آیاتی که قوانین و سنن حاکم بر جامعه و تاریخ را بیان می‌کنند، همه مردم نواندیش و کمال‌جو را به جهانگردی و سیاحت هدف‌دار و مطالعه تاریخ اقوام گذشته و تحقیق در سرنوشت آنان تشویق می‌کنند. در این قسمت به بررسی آیات مذکور می‌پردازیم:

در آیات ۴۲ تا ۴۴ «سوره فاطر»، ضمن اینکه بار دیگر به حقیقت وجود سنت‌های الهی و عدم تبدیل و تحول آن‌ها اشاره شده است، به حق‌ستیزان و تکذیب‌کنندگان هشدار می‌دهد با گردش در زمین از عاقبت امت‌هایی که تفکرات و اعمال شبیه به آنان داشتند، عبرت بگیرند: «واقسموا بالله جهدی... فلن تجد لسنة الله تبديلاً و لن تجد لسنة الله تحویلاً» اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و كانوا اشد منہم قوه»:

حق ناپذیران به خدا سوگند یاد کرده‌اند که بیم‌دهنده‌ای برای آنان بیاید، بی تردید آنان از هر یک از دیگر جامعه‌ها راه‌یافته‌تر خواهند شد اما هنگامی که هشداردهنده‌ای برای آنان آمد، به جای پذیرش او، حق‌گریزی و حق‌ستیزی کردند که تنها به سبب گردن‌کشی و نیرنگ زشت آنان بود و نیرنگ زشت جز صاحب آن را فرا نمی‌گیرد. آیا آنان جز سنت و روش ما درباره پیشینیان را انتظار دارند؟ برای سنت خدا دگرگونی نمی‌یابی و هرگز در سنت خدا تغییری نخواهی یافت. آیا در سرگذشت پیشینیان نیندیشیده و آیا در زمین نگریده‌اند تا بنگرند که فرجام کار کسانی که پیش از اینان زیسته‌اند، و از آنان برتوان تر بوده‌اند، چگونه شد؟

در آیه ۱۰ «سوره محمد»، کافران از اینکه در زمین سیر نمی‌کنند، مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند: «فلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم دمرالله علیهم و للکافرین امثالها».

اگر به آیات قبل از آن توجه شود، می‌بینیم که خداوند خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری خواهد کرد. خطاب به کافران نیز می‌فرماید: «و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آن‌ها و اعمالشان نابود باد.»

این به‌خاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده بود، کراهت داشتند. لذا خدا اعمالشان را نابود کرد. در ادامه سخن لزوم گردش در زمین برای دیدن عاقبت کافران آمده است: «آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند، چه شد؟ خداوند آنان را هلاک کرد و برای کافران امثال این مجازات‌ها خواهد بود. این به‌خاطر آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، اما کافران مولایی ندارند.»

در آیه ۲۱ سوره غافر می‌خوانیم: «اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا هم اشد منہم قوه و آثارا فی الارض فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق». آیا آن‌ها روی زمین سیر نکردند تا ببینند فرجام کار کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ آن‌ها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین و زمان، از این‌ها برتر بودند، اما خدا ایشان را به گناهانشان گرفت و در برابر کیفر او حمایت‌گری نداشتند.

در سوره یوسف آیه ۱۰۸، پیامبر آیین و روش خود را دعوت به سوی خدا معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد که از مشرکین نیست. خداوند می‌فرماید: برای اینکه کافران و ستیزگران بدانند سرانجام مخالفت‌هایشان با دعوت تو که دعوت به سوی توحید است، چه خواهد بود، خوب است بروند و آثار پیشینیان را بنگرند. در پایان آیه سرای آخرت را مخصوص پرهیزگاران اعلام می‌کند: «و ما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحی الیهم من اهل القرى



گردشگری و تبادل دستاوردهای علمی، تمدنی و فرهنگی

آثار و فواید گردشگری و سفر از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. از جمله تأثیرات مهم آن تعامل و ایجاد رابطه بین گروه‌های مختلف انسانی است که موجب می‌شود، آن‌ها با فرهنگ، دین، آداب و رسوم، پیشرفت‌های علمی و تمدنی دیگر کشورها و مناطق آشنا شوند. در آیاتی که درباره قوم یا جوج و مأجوج آمده است، بر این نکته به روشنی تأکید شده که ذوالقرنین (قهرمان گردشگری در قرآن) به جایی رسید که مردمانی در آنجا با تعبیر «لا یکادون یفقهون قولاً» (کهف/ ۹۳) توصیف می‌شدند. به این معنا که آنان مردمی بودند که سخنی را فهم نمی‌کردند. این آیه معلوم می‌کند که قوم مزبور از ارتباطات فرهنگی و شناخت زبان‌های زنده دنیا که زیربنای تمدن‌هاست، بهره‌ای نداشت. بنابراین گردشگری می‌تواند به عاملی برای ارتقای فرهنگی و تمدنی و تبادل امکانات، استعدادها و توانمندی‌ها تبدیل شود. براساس آیات قرآن، بسیاری از پیامبران از شهر و دیار خود بیرون آمده و برای تبلیغ دین خدا و استقرار اندیشه توحیدی به مناطق دوردست سفر کرده‌اند. به این معنا که سفر و گردشگری می‌تواند در خدمت دین و توسعه و ترویج اندیشه‌های دینی و مذهبی قرار گیرد.

آداب گردشگری در منظر آیات و روایات

دین مبین اسلام بر سیر و سیاحت تأکید ویژه دارد و قرآن کریم پنج بار با جمله «سیروا فی الارض» به سیر در زمین فرمان می‌دهد و شش مرتبه با «ولم یسیروا»، کسانی را که به سیر و سفر نمی‌پردازند، سرزنش می‌کند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر مردم میزان رحمت خدا را به مسافر می‌دانستند، بسیار مسافرت می‌کردند. همانا خدا با مسافران مهربان است (احسانبخش، ۱۳۶۹، ج ۸: ۴۸۷). اسلام علاوه بر اینکه به سفر رفتن را تشویق می‌کند، رعایت دستورهای اخلاقی، اجتماعی، دینی و... را که در قرآن و روایات معصومین آمده است، سفارش می‌کند. از جمله آموزه‌های دینی در گردشگری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

زمان سفر

درباره زمان سفر روایات قابل توجهی داریم. امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس می‌خواهد به سفر برود، روز شنبه مسافرت کند و یا آنکه در روز سه‌شنبه مسافرت کند. زیرا سه‌شنبه روزی است که خداوند آهن را برای داوود نرم کرد. و یا روز پنج‌شنبه مسافرت کند، چون پیامبر (ص) در این روز مسافرت می‌کرد و آن روزی است که خداوند، پیامبر و فرشتگان آن را دوست می‌دارند. (همان: ۴۹۹).

افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و لدار الاخره خیر للذین اتقوا افلا تعقلون» (یوسف/ ۱۰۹).

در آیه ۴۶ سوره حج، بار دیگر دستور گردشگری داده می‌شود، اما گردشگری الهی و اخلاقی تا به بیداری دل‌ها، شنوایی گوش‌ها و بینایی چشم‌ها بینجامد: «افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها و اذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب الی فی الصدور». آیا آن‌ها (ظالمان) در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن‌ها حقیقت را درک کنند؟ یا گوش‌های شنوایی که ندای حق را بشنوند؟ چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌ها هستند بینایی را از دست می‌دهند.

قبل از این آیه، خداوند سبحان از اقوام ظالم و ستمگر که به خاطر اعمالشان به عذاب الهی دچار شدند، سخن می‌گوید. در این آیه اشاره می‌شود که در زمین سیر کنید، چرا که دیدن ویرانه‌های کاخ‌های ستمگران و خانه‌های ویران شده جباران و زورگویان، هر یک در عین خاموشی زبان‌گویا دارند.

در آیه ۳۶ سوره نحل آمده است: «و لقد بعثنا فی کل امه رسولان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلاله فیسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین». ما برای هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید. خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی امانشان را گرفت. پس روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود.

آیه‌های زیر نیز بخشی دیگر از فلسفه زیبای اسلام از دعوت به گردشگری را بیان می‌دارد:

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین» (نمل/ ۶۹).

«قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (انعام/ ۱۱).

در این آیات بار دیگر تذکر می‌دهد که سفر کنید تا نشانه‌های گذشتگان را ببینید و سرانجام کار مجرمان و تکذیب‌کنندگان (حق) را مشاهده کنید تا مایه عبرت شود.

پیامبر اسلام غافل‌ترین و جاهل‌ترین مردمان را کسی می‌داند که از گذشت روزگار و تاریخ عبرت نمی‌گیرند (میزان الحکمه، ج ۳: ۱۸۱). امیرمؤمنان نیز فراوان به عبرت‌آموزی از تاریخ اشاره کرده‌اند: «فاعتبروا بما اصاب الامم المستکبرین من قبلکم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) و نیز می‌فرماید: «هان ای بندگان خدا، بدانید که شما و آنچه در آن هستید، به همان راهی که گذشتگان در آن بودند، روانید؛ همان‌ها که زندگی‌شان از شما طولانی‌تر و شهر و دیارشان آبادتر و یادگارها و آثار برجای مانده از آنان پاینده‌تر بود (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶)



دین مبین اسلام بر سیر و سیاحت تأکید ویژه دارد و قرآن کریم پنج بار با جمله «سیروا فی الارض» به سیر در زمین فرمان می‌دهد و شش مرتبه با «ولم یسیروا»، کسانی را که به سیر و سفر نمی‌پردازند، سرزنش می‌کند



امام رضا(ع) نشانه‌های مروت و جوانمردی به هنگام سفر را خوش‌خویی، زاد و توشه خود را به همسفران بخشیدن و در غیر معاصی و نافرمانی خداوند شوخی و مزاح کردن می‌دانند

دعا و صدقه در سفر

در قرآن سفارش شده است که مسافر هنگام ورود و خارج شدن از محل و منزلگاه جدید بگوید: «رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً». و نیز بگوید: «رب انزلنی منزلاً مبارکاً و انت خیر المنزلین» (مؤمنون/۲۹): بار خدایا مرا در منزلی پربرکت فرو آور که تو بهترین فرودآوردنگانی. از ائمه اطهار نیز روایت شده است که در سفر دعا‌های خاصی قرائت شوند. امام رضا(ع) می‌فرماید: «چون قصد سفر کردی، کسان خود را جمع کن و دو رکعت نماز بگزار و بگو: خدایا من دین و وجودم و زن و عائله‌ام را به تو سپردم.» امام باقر(ع) هر وقت از خانه بیرون می‌رفت، می‌فرمود: «به نام خدا خارج شدم و بر خدا توکل کردم. هیچ توانایی و نیرویی همانند نیروی خدا نیست» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۳۳). خواندن سوره‌های توحید، قدر، ناس و فلق هنگام سفر از سوی ائمه از جمله امام صادق(ع) و موسی بن جعفر(ع) سفارش شده است (همان، ص ۳۳۳ و فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۴).

همچنین در روایات آمده است که مسافر پیش از سفر صدقه دهد و بگوید: «بار خدایا من با این صدقه، سلامت خودم و سفرم و هر چه همراه دارم را خریدم. مرا و هر چه با من است، سالم دار و به‌خوبی و خوشی به مقصد برسان. پس از صدقه هم بگوید: «لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۳: ۱۴۴).

وصیت کردن

هر گاه وقت مسافرت نزدیک شد و آماده حرکت شدی، لازم است کارهای خود را مورد دقت قرار دهی، به حساب‌های بین خود و مردم رسیدگی کنی، و خود را از تمام حقوق مردم برهانی. سپس به کارهای خانواده و

کسانی که نفقه آنان برعهده توست، توجه کرده، و خرج آنان را به صورت معتدل برای مدت سفر خود تهیه کنی و به آنان بدهی، سپس آنان را به آنچه تو را به خداوند نزدیک می‌کند سفارش نموده و این وصیت را نزد شخص مورد اعتماد خود قرار ده. سفر خود را با مقداری صدقه کم یا زیاد آغاز کن. (طبرسی، ۱۳۶۸: ۳۲۹)

توصیه‌های اخلاقی و ارزشی اسلام در آداب مسافرت

امام رضا(ع) نشانه‌های مروت و جوانمردی به هنگام سفر را خوش‌خویی، زاد و توشه خود را به همسفران بخشیدن و در غیر معاصی و نافرمانی خداوند شوخی و مزاح کردن می‌دانند (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۵: ۳۲۰) امام صادق(ع) نیز جوانمردی در سفر را توشه فراوان و خوب با خود همراه داشتن و به هم‌سفران بخشیدن و اسرار و رازهای آنان را پس از جدا شدن پوشیده داشتن می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۶۶). لقمان حکیم در آداب سفر به فرزندش توصیه می‌کند: «ای پسر، چون با گروهی به سفر رفتی، با آنان در کارهایی که مربوط به تو و ایشان است، مشورت نما. به روی آنان لبخند بزن و توشه‌ای را که با خود داری کریمانه در میان آنان تقسیم کن و اگر تو را دعوت کنند اجابت نما و چون از تو کمک خواهند، دریغ مکن (همان: ۲۷۱). همچنین می‌فرماید: در مسافرت انواع داروهارا با خود همراه بگیر تا هم تو و هم همراهانت از آن سود ببرید و با یارانت به‌جز در اموری که موجب معصیت خدا باشد، موافقت کن (پیشین).

امام باقر(ع) به نقل از رسول خدا می‌فرماید: رسول اکرم به هنگام وداع گفتن مسافر دست او را می‌گرفت و می‌فرمود: خدای تعالی همراهان نیک نصیب تو کند و کمک کامل به تو فرماید و دشواری‌ها را بر تو آسان سازد و مهمات کار تو را کفایت کند و دین و امانت تو را حفظ فرماید و پایان کارت

راه برکت خدا حرکت کن (پیشین).

همسفران

یکی از موضوعاتی که در سفر اهمیت دارد، همسفران هستند. در این خصوص نیز سفارش‌های ارزنده‌ای به ما رسیده است. رسول اکرم (ص) تأکید دارند که نخست باید انتخاب رفیق راه کرد و سپس مسافرت نمود. هنگام سفر نیز می‌فرمودند: «شخص بدخو و همسایه آزار همسفر ما نشود» (همان، ص ۲۶۷ و ۲۷۳) امیرالمؤمنین در همین باره می‌فرمایند: «آن کس را که تو برای وی احترام منظور

می‌داری و لسی او هیچ‌گونه احترامی در نظر نگیری، رفیق مسافرت خود قرار مده» (همان، ص ۲۶۷). از رسول اکرم نقل شده است: «چون دو تن با هم رفیق راه شوند، آن کس پادشاه بزرگ‌تر می‌برد و در نزد خدای عزوجل محبوب‌تر است که به رفیق خود مهربان‌تر باشد» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۵: ۴۹۲). در باب کمک و یاری به همسفران می‌فرمایند: «هر که مسافر مؤمنی را کمک دهد، خدا هفتاد و سه نوع گرفتاری او را برطرف سازد و در دنیا او را از آندوها و نگرانی‌ها ایمن گرداند و گرفتاری بزرگ او را از میان ببرد. عرض شد گرفتاری بزرگ چیست؟ فرمودند: گرفتاری روزی که نفس‌های مردم بند آید (روز قیامت). یکی از مشکلاتی که در سفر ممکن است برای همسفران به وجود آید، بیماری است. امام صادق (ع) در این باره فرموده‌اند: حق مسافر بر سایر همسفران است که چون بیمار شود سه روز با او اقامت کنند و بمانند.

از جمله نکات ارزنده و تربیتی در دوست‌یابی در گفته امام صادق (ع) نهفته است: «به هیچ‌کس نام دوستی مده تا آنکه در سه چیز او را بیازمایی: به خشمش بیاور و بنگر که خشم او را از حق خارج می‌کند و به باطل می‌برد؟ و به هنگام دینار و درهم (پول) و به هنگام مسافرت کردن با او. نیز رسول اکرم سفر را وسیله سنجیدن اخلاق مردم می‌دانند.» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۴۰)

از دیگر آداب سفر که در دستورهای دینی به آن سفارش شده است، آگاه کردن دیگران از سفر خود و طلب آموزش کردن از آنان است و در هنگام بازگشت، آوردن هدیه برای اقوام و کسان خود است و نیز به دوستان و اقوام مسافر سفارش شده است: «چون از سفر برگردد، به دیدن او بروند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۸۳؛ کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۴).

گردشگری و زیارت

یاسر خادم از امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرمود: بار سفر به سوی زیارت قبور بسته نشود، مگر برای زیارت قبور ما. آگاه باشید که من از روی ستم با زهر کشته

می‌شوم و در غربت دفن می‌شوم. پس هر کس برای زیارت من بار سفر ببندد، دعای او مستجاب و گناه او آمرزیده می‌شود. (صدوق، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱۷)

همچنین، امام رضا درباره زیارت قبور مقدس امامان می‌فرمایند: «هر امامی بر گردن دوستان و پیروان خود عهد و پیمانی دارد. این عهد و پیمان هرگز بریده نمی‌شود. این عهد آنگاه به کمال خود می‌رسد که آرامگاه امام خود را زیارت کند. پس هر کس امام خود را با رغبت زیارت کند و آنچه را که آنان به آن فرا خوانده‌اند تصدیق کند، آنان او را در قیامت در پیشگاه خداوند شفاعت خواهند کرد (پیشین).

کسب روزی حلال و توسعه فعالیت اقتصادی

از جمله فایده‌های مهم سفر فعالیت اقتصادی و کسب درآمد و اشتغال‌زایی است؛ به طوری که اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان امروز بر مبنای تجارت و جهانگردی اداره می‌شود؛ به خصوص شهرهای مذهبی، جاذبه فراوان برای گردشگری و به دنبال آن رونق اقتصادی دارند. توجه اسلام به کسب روزی حلال و بهره‌مندی از مواهب طبیعی، باعث ایجاد انگیزه سفرهای اقتصادی در میان مسلمانان شده است. خداوند در آیه ۱۰ سوره جمعه می‌فرماید: «فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله...» در زمین پراکنده شوید و فضل و رحمت خداوند را بجویید.

در قرآن به منافع اقتصادی گردشگری درباره قریش و قوم سبا اشاره شده است (سبا/ ۱۵ تا ۲۲؛ قریش / ۱ تا ۵) در روایات هم به همین معنا اشاره شده است. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: مسافرت کنید تا تندرست شوید و غنیمت و ثروت به‌دست آورید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۲۱). رسول گرامی اسلام نیز می‌فرماید: حج کنید تا بی‌نیاز شوید، مسافرت کنید تا تندرست گردید. (هندی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۸۳۱) نیز می‌فرماید: مسافرت کنید، زیرا اگر در سفر مالی به‌دست بیاورید، بهره و فایده عقلی و تجربی می‌برید (طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۴).

حضرت علی (ع) بهترین شهرها را شهری می‌داند که وسایل پیشرفت (مادی و معنوی) انسان را فراهم سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۳۲۷). همچنین، امیرالمؤمنین درباره تفریح سالم می‌فرمایند: خردمند از شهری به شهری نمی‌رود، مگر برای یکی از این سه جزء: گام نهادن در راه آخرت، برخورداری از لذت حلال و کسب روزی حلال برای گذراندن زندگی».

بنابراین، با سیاست‌های کارآمد اقتصادی در شهرهای مذهبی، ضمن جذب گردشگران و استفاده از فایده‌های معنوی آن، می‌توان در جهت رشد و پویایی اقتصاد سالم جامعه تلاش کرد و در رهگذر آن بسیاری از مشکلات اجتماعی به‌ویژه جوانان را مرتفع کرد.

منابع

۱. احسانبخش، صادق (۱۳۶۹). آثار الصادقین (ج ۸). دفتر تبلیغات اسلامی. قم: چاپ اول.
۲. حرعاملی، محمد (۱۳۹۱). وسائل الشیعه. احیاء التراث العربیه. بیروت. چاپ چهارم.
۳. حکیمی، محمود (۱۳۸۳). همراه با جهانگردان و سیاحان (ج ۱). آرون. تهران. چاپ اول.
۴. زبیدی، امی، حسین (۱۳۸۵). کلمات قصار رسول اکرم (ص)، نهج‌الفصاحه. ترجمه حسین زبیدی، امی، نسیم حیات. قم: چاپ نهم.
۵. رستمی، محمدحسن (۱۳۸۸). سیمای طبیعت در قرآن. بوستان کتاب. قم. چاپ دوم.
۶. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. جامعه مدرسین. قم.
۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۴). خصال. تهران.
۸. طبرسی، رضی‌الدین (۱۳۹۲). مکارم الاخلاق. مؤسسه الاعلمی. بیروت. چاپ ششم.
۹. طبرسی، رضی‌الدین (۱۳۶۸). آداب الدنیه الخزانة المعینیه. ترجمه احمد عابدی. زائر. قم.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. انتشارات اسلامی. قم. چاپ بیستم.
۱۱. فیض‌کاشانی، محسن (۱۳۷۲). محجة البیضا فی تهذیب الاحیاء. تصحیح علی‌اکبر غفاری. جامعه مدرسین. قم. چاپ دوم.
۱۲. کلینی، محمدباقر (۱۳۸۱). اصول کافی. مکتبه الاسلامیه. تهران.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. انتشارات امام علی (ع). قم. چاپ شانزدهم.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. مؤسسه الوفاء. بیروت. چاپ دوم.
۱۵. هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۰۵). کنز العمال. مؤسسه الرساله. بیروت. چاپ پنجم.